

بررسی نقش بازآفرینی فرهنگ - مبنا در توسعه پایدار شهری^۱ (مطالعه موردی تجارب جهانی)

مینو قره بگلو^۲: دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

M.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

حامد بیٹی: استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

h.beyti@tabriziau.ac.ir

سیده آيسان سيد حاجی آقائی: کارشناس ارشد معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

a.seyedahaji@tabriziau.ac.ir

چکیده

با رشد شهرنشینی و افزایش روزافزون جمعیت و همچنین با توجه به لزوم تامین نیازهای امروزی و نسل‌های آینده، شهرها با چالش‌های فراوانی مواجه شده‌اند. حفظ منابع موجود در شهرها و ارتقای کیفیت زندگی شهری برای زمان حال و همچنین آینده شهر، امروزه از اهمیت زیادی برخوردار است که مدیران و برنامه‌ریزان شهری باید به آن، کمال توجه را داشته باشند. بازآفرینی محدوده‌های ناکارآمد شهری و تبدیل آنها به نقاط قوت شهر می‌تواند در توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، گردشگری، زیست محیطی و ... تاثیر بسزایی داشته باشد. بازآفرینی فرهنگ - مبنا یکی از انواع بازآفرینی شهری است که با بکارگیری مولفه فرهنگ در بطن خود نقش زیادی را در احیاء سیمای شهر و بهبود زندگی شهری ایفا می‌کند. از زمان شروع هزاره جدید، شهرها در قلب ابتکارات قرار گرفته‌اند و سعی در دخیل کردن فرهنگ در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های پایداری خود دارند که این نیز همراه با ظهور الگوهای جدید برای پایداری در شهرها می‌باشد. در سال‌های اخیر، محققان بسیاری، تاثیر فرهنگ را در توسعه پایدار شناسایی کرده‌اند؛ به گونه‌ای که علاوه بر پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی، پایداری فرهنگی نیز امروزه باید در توسعه جوامع، مورد نظر قرار بگیرد. هدف از این تحقیق، تبیین نقش فرهنگ و بازآفرینی فرهنگ - مبنا در توسعه پایدار شهری می‌باشد که به روش تحقیق توصیفی - تحلیلی ابتدا با مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به مرور مبانی نظری موجود در این زمینه و بر اساس مفاهیم مستخرج از بخش مبانی تحقیق، به مطالعه موردی نمونه‌های جهانی، جهت دستیابی به راهکارهای پیشنهادی برای دستیابی به توسعه پایدار از طریق بازآفرینی فرهنگ - مبنا پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ، بازآفرینی، بازآفرینی فرهنگ - مبنا، توسعه پایدار شهری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده سوم با عنوان «طراحی مجموعه فرهنگی - هنری محله چرنداب تبریز با رویکرد مکان سازی فرهنگ - مبنا» است که با راهنمایی نگارنده نخست و مشاوره نگارنده دوم انجام شده است.

۲- نویسنده مسئول

مقدمه

از دهه ۱۹۸۰ به بعد، بازآفرینی فرهنگ- مبنا به عنوان یک استراتژی در سراسر اروپا برای بازسازی و احیای مجدد شهرها و مناطقی که از طریق غیر صنعتی شدن دچار مشکلات اجتماعی و اقتصادی شده اند، مورد استفاده قرار گرفته است (Middleton and Freestone, 2008). عصر جهانی شدن، ارتقا گسترده بازآفرینی شهری فرهنگ- مبنا را تقویت کرده است. انتقال جوامع پسا صنعتی به سمت اقتصاد نمادین (Zukin, 1995)، همراه با بحران اقتصادی کنونی، بر فرهنگ به عنوان محرکی برای توسعه شهری و/ یا بازآفرینی تأکید کرده است (Richards, 2014). بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ را می توان به معنای استفاده از پروژه های فرهنگی برای احیای شهرها و مناطق دارای رکود اقتصادی دانست. این می تواند شامل ارتقا رویدادها و جاذبه های مبتنی بر هنر همراه با تشویق توسعه مسکن و خرده فروشی با کیفیت بالا و جذب مشاغل حرفه ای به منطقه باشد (Middleton and Freestone, 2008). نهادینه شدن «رویدادهای فرهنگی»، نقش موثری در تثبیت رویکرد «بازآفرینی شهری» داشته و به عنوان عاملی برای حفاظت از میراث ارتقای کیفیت محیطی، مرمت و بازآفرینی ساختار کالبدی، طراحی های جدید و هماهنگ با ساختار قبلی و ورود به کارکردهای نو به ساختارهای جدید تبدیل شده است. در بازآفرینی فرهنگی، عامل فرهنگ به عنوان یک راهبرد توسعه ای بسیار مهم در مقیاس های محلی و جهانی مطرح است (Bird et al., 1993).

در "الگوی بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ"، فرهنگ تحول گسترده ای از جمله، احیای مجدد مناطق شهری، توسعه زیرساخت ها و خدمات، متحرک سازی مکان ها با جاذبه های جدید و جذب سرمایه، منابع انسانی و جریان گردشگران را ایجاد می کند (Go et al., 2014). فرهنگ، نه تنها به عنوان "یک منبع رونق و جهانی سازی"، و همچنین "وسیله ای برای تعریف یک هویت مشترک و غنی و باعث افتخار یک مکان"، بلکه به عنوان راه حل همه چیز پیشنهاد می شود (Wang and Li, 2009). عمدتاً، مأموریت سیاست فرهنگی به طور معمول، به میزبانی رویدادهای برجسته بین المللی و ساخت معماری شاخص، توسعه بخش های صنعتی فرهنگی از چشم انداز تولید و روش استراتژیک برندسازی شهر برای افزایش شناسایی مشخصات و نام آن، بستگی دارد (Yeoh, 2005). بازآفرینی فرهنگ- مبنا به دنبال راه هایی است که بتواند شهرها را با تفاوت های منحصر به فرد و خاص خود، قادر به حضور در مسیر رقابت جهانی، سازد (Ozden, 2012).

در کنار همه مسائل بیان شده، چیزی که امروزه باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد، توجه به نقش فرهنگ در بازآفرینی و توسعه شهری به سمت پایداری بیشتر می باشد. شهرهای امروزی با توجه به گسترش روز افزون و افزایش جمعیت در آنها و به سبب فقدان مدیریت صحیح پتانسیل های فرهنگی موجود در آنها دچار رکود اجتماعی، اقتصادی و حتی زیست محیطی شده اند که مانع از حصول پایداری در آنها می شود. لذا، بهره گیری از فرهنگ در فرایند بازآفرینی شهرها، که عنصری مشترک بین مردم عامه یک منطقه می باشد، می تواند تغییرات اساسی در همه جوانب شهری ایجاد کند و روند توسعه شهری و پایداری را از طریق بازدهی اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، ارتقای کیفیت زندگی و سیمای کلی شهر، بهبود بخشد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی برای نیل به اهداف، استفاده شده است. در ابتدا به روش کتابخانه ای با مطالعه متون مرتبط با موضوع پژوهش، به بررسی مفهوم بازآفرینی فرهنگ- مبنا و تعیین شاخص ها و مولفه های تاثیرگذار در مکان های فرهنگی، پرداخته شد و سپس نقش فرهنگ در توسعه پایدار شهری بیان شد. در ادامه، به روش مطالعه موردی، نمونه های منتخب جهانی بر اساس شاخص ها و مولفه های تعیین شده مورد بررسی قرار گرفتند تا تاثیر بازآفرینی فرهنگ- مبنا در روند توسعه شهری آنها مشخص شود. در انتها نیز، بر اساس مفاهیم مستخرج از مبانی نظری و مطالعات موردی، پیشنهاداتی جهت دستیابی به توسعه پایدار از طریق بازآفرینی فرهنگ- مبنا ارائه شد.

پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت زندگی شهری و لزوم توسعه پایدار در شهرها و همچنین با نظر به ضرورت بکارگیری فرهنگ در برنامه های بازآفرینی شهری به جهت دستیابی به توسعه پایدارتر در شهرها، مطالعات مختلفی صورت گرفته است که از بین آنها می توان به پژوهش انجام شده توسط لیو (Liu, 2019)، اشاره کرد که در آن با هدف کمک به سیاست و مدیریت فرهنگ شهری، عوامل کلیدی موفقیت در بازآفرینی فرهنگ- مبنای پایدار، تعیین شده و در رویدادهای طولانی مدت شهر لیورپول به عنوان نمونه موردی، مورد بررسی قرار گرفته است. مونتگومری (Montgomery, 2003)، در مطالعه خود به تبیین مفهوم محله های فرهنگی و ویژگی های مکان در آنها و بررسی و مقایسه این ویژگی ها در چهار نمونه موردی، پرداخته است. امیدوار و همکاران (Omidwar et al., 2020) به منظور احیای میراث فرهنگی و بازآفرینی فرهنگ- مبنا در بافت تاریخی محدوده ارگ شهر مشهد با استفاده از رویدادهای اجتماعی و فرهنگی و تأثیرات مثبت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها، به تبیین نقش وقایع اجتماعی و فرهنگی در نشاط اجتماعی و اقتصادی و چگونگی دستیابی به بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ با استفاده از وقایع اجتماعی، پرداخته اند. در مطالعه صورت گرفته دیگر، فریلی و همکاران (Ferilli et al., 2017)، بر رابطه بین فرهنگ و طرح های بازآفرینی شهری و تأثیر آنها بر داریی های اجتماعی - شناختی - یعنی سرمایه های اجتماعی و انسانی متمرکز می باشند. امین زاده و دادرس (امین زاده و دادرس، ۱۳۹۱)، در مقاله خود با بهره گیری از بازآفرینی فرهنگی به عنوان رویکرد اساسی تحقیق و اصول گردشگری شهری، راهکارهایی برای بازآفرینی بافت های تاریخی کشور، ارائه کرده اند که جهت تدقیق موضوع، کاربست راهکارهای پیشنهادی را در طراحی و معاصر سازی بافت تاریخی قزوین، مورد بررسی قرار داده اند. سوینی و دسین (Soini and Dessein, 2016)، در مقاله خود، یک چارچوب میان رشته ای را برای شناسایی نقش های مختلف فرهنگ در پایداری در تلاش برای هدایت فعالیت های تحقیقاتی و سیاسی در این زمینه پیچیده پیشنهاد کرده اند. این چارچوب شامل سه نقش برای فرهنگ در رابطه با مقوله پایداری است که براساس مطالعات انجام شده مرتبط با "پایداری فرهنگی" تعریف شده است، که در تکمیل آن از طریق هشت بعد سازماندهی شده که شباهت ها و تفاوت های بین سه بخش را مشخص می کند، مورد بررسی قرار می گیرد.

با نظر به پژوهش های صورت گرفته و اهمیت مقوله فرهنگ در توسعه پایدار شهری، مطالعه مفاهیم فرهنگ و نقش آن در بازآفرینی شهری و تأثیرات بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ در توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی شهرها، بیش از پیش، ضروری به نظر می رسد. در این تحقیق، بر اساس مطالعه مبانی انجام گرفته در این زمینه ها، به بررسی مفاهیم فرهنگ، بازآفرینی فرهنگ- مبنا و ارتباط آن با توسعه پایدار، پرداخته می شود.

۱. مبانی نظری تحقیق

۱.۱. بازآفرینی فرهنگ - مبنا

برنامه های بازآفرینی فرهنگ - مبنا به منظور پرورش تصویر جدید برای یک شهر یا منطقه اجرا می شوند (Doucet, 2007). مفهوم بازآفرینی شهری مبتنی بر فرهنگ یکی از راه حل های طراحی برای بازگرداندن نشاط شهری و بازآفرینی فرهنگ شهری بر اساس منابع فرهنگی ملموس و نامشهود شهر است (Fan and Kim, 2019). از منظر عملی، موقعیت متنوع بازآفرینی شهری فرهنگ - مبنا در ماتریس فرهنگی می تواند به حاکمیت شهری کمک کند تا از مهارت ها و دانش و توانایی جذب سطح زمینه های محلی پشتیبانی کند و شرایط را برای مزیت رقابتی فرایندهای بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ، فراهم کند. به نوبه خود، این می تواند به موفقیت و ماندگاری یک مارک شهری در نقشه جهانی با ترکیب تغییرات فرهنگی با هویت تلفیقی کمک کند (Go et al., 2014). راه های زیادی وجود دارد که فرهنگ می تواند در روندهای بازآفرینی شهری در آنها تغییر ایجاد کند، از جمله: تجدید چهره در شهر و محلات آن، پرورش غرور و احساس تعلق ساکنان، جذب سرمایه گذاری و گردشگری، بهبود کیفیت زندگی و انسجام اجتماعی، ایجاد مشاغل جدید در بخش های فرهنگی و خلاق و غیره. از آنجایی که این اثرات مفید، آشکار و مستند شده می باشند، فرهنگ از در اصلی وارد جعبه ابزار برنامه ریزان شهری شده است. در نتیجه، استراتژی ها و ابتکارات فرهنگی به طیف گسترده ای از اهداف سیاست پرداخته اند، و بعد از بی توجهی طولانی مدت، بسیار بیشتر به عنوان یک عامل مهم احتمالی موفقیت در فرآیندهای بازآفرینی شهری، مورد بررسی قرار گرفته اند (Ferilli et al., 2017). در این رویکرد، فرهنگ به عنوان عامل تسهیل گر و نیروی محرکه باز آفرینی معرفی می شود. استفاده از رویدادهای فرهنگی، و ایجاد شهر - فرهنگ و شهر - رویداد (Burgel, 2000)، که عوامل خاطره ساز، و خاطره های جمعی، نقش مهمی می یابد و شهر مکان دائمی انواع نمایش ها و فعالیت ها می گردد و با ایده های دیگر در ارتباط است (Landry et al., 1996).

هدف بازآفرینی شهری فرهنگ - مبنا توجه به حفظ ارزش های فرهنگی است و حفاظت از ثروت های بومی در جهت اعتلای نقش فرهنگی بازآفرینی شهری در محیط اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار است، در این رویکرد ایجاد مراکز فرهنگی و وقوع فعالیت ها در مکان های عمومی به عنوان موتور محرک بازآفرینی شهری در بافت های کهن محسوب می گردد، چرا که این عرصه همگانی و فضاهای نیمه عمومی وابسته به آن است که زمینه را برای تعاملات اجتماعی مهیا می کند و بخش عمده ای از بنیان تراکنش های یک محدوده را شامل می شود. همچنین فعالیت هایی هستند که در کنار فعالیت های مهم دیگری همچون قدم زدن و مردم نگری، کیفیت پویایی مکان های شهری موفق را رقم می زنند. در واقع عرصه همگانی در یک شهر، کارکردهای بسیاری را بر عهده دارد، آنچنان که یان گل می گوید: عرصه همگانی در شهرها، مکانی برای ظهور انواع همگانی زندگی اجتماعی است (صردری و همکاران، ۱۳۹۳). بازآفرینی فرهنگ - مبنا از طریق بهبود کیفیت فیزیکی، استفاده مجدد از میراث معماری و فراهم آوردن بستری برای پذیرش رویدادها و فعالیت های فرهنگی مبتنی بر فرهنگ و هنر، در پاسخ به تمایلات یکنواختی محیط شهری و از دست رفتن معانی و تمایز مکان ها، به تغییر شکل تصویر و سیمای شهر که تا حد امکان قوی و منحصر به فرد باشد، کمک می کند. (Omidwar et al., 2020). تجدید شهر فرهنگی عمدتاً شامل چهار جنبه است: (Fan and Kim, 2019)

- ۱) بازآفرینی منابع فرهنگی (میراث فرهنگی، منابع طبیعی، معماری، آثار هنری)؛
- ۲) ترکیب فضای فرهنگی (موزه ها، گالری ها، محل های اجرا، کتابخانه ها)؛
- ۳) کشت صنایع فرهنگی (صنایع دستی، گردشگری، صنایع برتر)؛ و
- ۴) طرح مشارکت جامعه (آموزش، تجربه، رقابت، فعالیت عمومی)

یک پیش نیاز اساسی برای یک محله فرهنگی، وجود فعالیت فرهنگی است و در صورت امکان، باید شامل تولیدات فرهنگی (ساخت اشیا، کالاها، محصولات و ارائه خدمات) و همچنین مصرف فرهنگی باشد (افرادی که به نمایش ها می روند، از سالن ها و گالری ها بازدید می کنند). بدیهی است که محله های فرهنگی بدون فعالیت فرهنگی نمی توانند وجود داشته باشند. وجود مکان ها و محل های برگزاری از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این موارد باید تا حد امکان متنوع باشد، ترجیحاً در مقیاس کوچک و متوسط که هدف آن، تشویق زندگی فعال تر در خیابان است. علاوه بر مکان های اجرا، باید مکان های تمرین نیز وجود داشته باشد. اقتصاد مختلط در مکان ها به رشد خود-پایداری کمک می کند، به همین ترتیب در کنار تئاترها و گالری های ارائه شده به صورت عمومی باید گالری ها و مکان های اجرای نمایش خصوصی وجود داشته باشد. نکته مهم این است که تعداد بیشتری از مکان ها زمان عصر، همانند طول روز، فعالیت داشته باشند (Montgomery, 2003).

۲.۱. بازآفرینی فرهنگ - مبنا و توسعه پایدار شهری

تا چندی پیش، بحث در مورد توسعه پایدار متمرکز بر سه موضوع اصلی محیط زیست، اقتصاد و اجتماع، بود که مدل به اصطلاح سه ستونی پایداری را شکل می دهند، اما پایداری فرهنگی چندان مورد توجه قرار نگرفته است (Richards and Palmer, 2010). در سال های اخیر، با روشن شدن سهم فرهنگ در توسعه پایدار گسترده، یک بحث و بررسی جدید در مورد توسعه پایدار به وجود آمده است. فرهنگ را می توان به عنوان یک عنصر اصلی مفهوم پایداری در نظر گرفت که می تواند زمینه های مختلف سیاست را بهم پیوند دهد (Burksiene et al., 2018). نقش فرهنگ در پایداری یا توسعه پایدار به موضوعی داغ در برخی از رشته ها تبدیل شده است (Duxbury et al., 2012). هاوکس (Hawkes, 2001) استدلال می کند که: "فرهنگ به عنوان "ستون چهارم" توسعه پایدار در حال ظهور است و نقشی حیاتی در دستیابی به پایداری دارد". این استدلال ها همچنین به تدریج در بحث های سیاست عمومی قرار گرفتند (Cubeles and Baro, 2006). به عنوان مثال، در انگلستان، وزارت فرهنگ، رسانه و ورزش^۱ اظهار می دارد: "لذت بردن از هنر و مشارکت در آن در هسته اصلی توسعه پایدار اساسی است. هنرها همیشه برای تعامل و اطلاع رسانی و همچنین سرگرمی مورد استفاده قرار گرفته اند و استفاده از تخیل و خلاقیت باعث تغییر نگرش و همچنین تحول اجتماعی و محیطی می شود که همه اینها برای امکان توسعه پایدار واقعی لازم است" (Liu, 2019). تروسبی (Throsby, 2005) در مورد نقش فرهنگ در پایداری بحث می کند و سه چارچوب در مورد فرهنگ و پایداری ارائه می دهد، از جمله: سرمایه فرهنگی به عنوان یک منبع پایدار، تعامل بین فرهنگ و محیط و پایداری میراث فرهنگی شهر. شهرهای متحد و دولت های

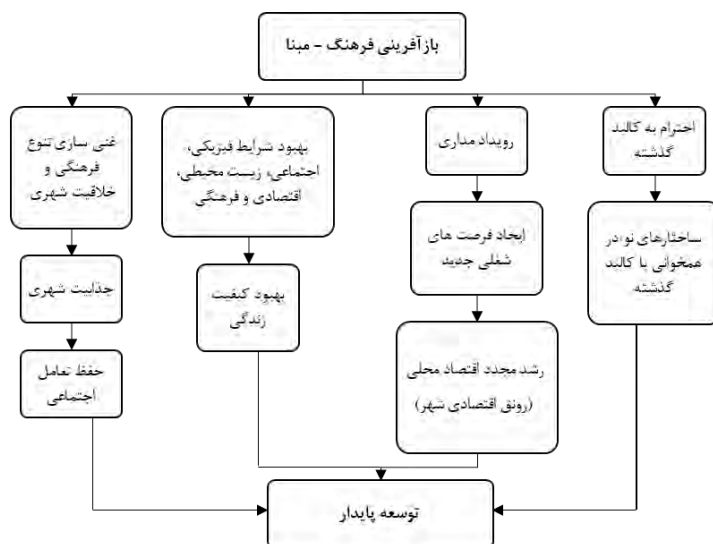
محل^۱ پیشنهاد می کند که رابطه فرهنگ و توسعه پایدار از دو طریق قابل دسترسی است: از طریق توسعه خود بخش فرهنگی (مثلاً هنر، صنایع فرهنگی و خلاقیت) و اطمینان از جایگاه فرهنگ در سایر سیاست های عمومی (به عنوان مثال، آموزش، اقتصاد و برنامه ریزی شهری). هر دو روش به مفهوم سازی نقشی که فرهنگ در توسعه پایدار بازی می کند، کمک می کنند (Liu, 2019). سوینی و دسین (Soini and Dessein, 2016)، چارچوبی برای پایداری فرهنگی فراهم می کنند: (۱) فرهنگ ستون چهارم توسعه پایدار است؛ (۲) فرهنگ نقش واسطه ای در دستیابی به پایداری اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی دارد؛ و (۳) فرهنگ بنیاد لازم برای دستیابی به هدف کلی توسعه پایدار است. دوکسبری و همکاران (Duxbury et al., 2012) خلاصه ای از ادبیات مربوطه را انجام داده و چهار محور اصلی برای درک نقش فرهنگ در توسعه پایدار را ارائه داده است، از جمله: (۱) فرهنگ به عنوان سرمایه، هم ملموس و هم نامشهود. (۲) فرهنگ به عنوان یک روند و روش زندگی؛ (۳) فرهنگ به عنوان یک عنصر اصلی برای تأمین ارزش اقدام پایدار و (۴) فرهنگ به عنوان یک بیان خلاق که بینش را در مورد مسائل پایداری، ارائه می دهد. فرهنگ موقعیتی به عنوان پایه و اساس برای ایجاد توسعه پایدار دارد؛ زیرا روش یک زندگی کل گرایانه است که تمام جنبه ها از جمله زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و خود فرهنگ را در نظر می گیرد. یک راه حل برای مسائل اطراف است. به مردم می آموزد که به طبیعت احترام بگذارند، کیفیت زندگی اجتماعی را بهبود بخشند، از نظر اقتصادی مستقل زندگی کنند و دانش محلی را حفظ کنند. خود فرهنگ به خوبی با طبیعت سازگار است و با محیط اطراف قابل تنظیم است. تردیدی نیست که می توان از آن به عنوان بنیادی برای پیاده سازی مفهوم پایداری استفاده کرد (Bakri, 2018). فرهنگ در جامعه نقش مکمل دارد: علاوه بر جنبه های اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی، به عنوان یک حوزه مهم زندگی شناخته می شود و بدون در نظر گرفتن جنبه های فرهنگی نمی توان به یک جامعه پایدار دست یافت (Soini and Dessein, 2016).

۲. یافته های تحقیق

فرهنگ به عنوان اساس و پایه حیات بشری جزئی انکارناپذیر است که بر جنبه های مختلف زندگی از جمله زندگی شهری و اجتماعی تأثیرات بسزایی دارد. در این راستا، شناخت فرهنگ و عوامل آن، از دلایل اساسی حرکت جوامع به سمت توسعه پایدار می باشد. در نمودار ۱، به بیان برخی از مؤلفه های فرهنگ، اشاره شده است.



با توجه به اهداف بازآفرینی شهری که دمیدن نشاط و روح تازه به شهر و حرکت به سمت توسعه پایدار است؛ بهره گیری از فرهنگ با در نظر گرفتن مؤلفه های آن می تواند موجب موفقیت بیش از پیش در پروژه های بازآفرینی شود. بازآفرینی فرهنگ - مبنا با به کارگیری عامل فرهنگ در بطن روند خود، می تواند به اساسی ترین جنبه های حیات بشری دست یابد و موجبات توسعه پایدار را فراهم کند (نمودار ۲).



نمودار ۲- رابطه بازآفرینی فرهنگ- مبنا و توسعه پایدار، (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

به دنبال استعاره‌های مکان کانتر (Canter, 1977)، می توان تصور کرد که همه مکان‌های موفق شهری از سه مجموعه عناصر تشکیل شده اند:

- فعالیت: اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی؛
- فرم: رابطه بین ساختمان‌ها و فضاها؛
- معنا: حس مکان، تاریخی و فرهنگی.

در این چارچوب امکان ایجاد مجموعه ای از شاخص ها وجود دارد که می تواند برای ارزیابی موفقیت نسبی محله های فرهنگی و نقش آنها در توسعه پایدار شهری استفاده شود (جدول ۱):

جدول ۱- خصوصیات مکانی محله های فرهنگی (ماخذ: Montgomery, 2003)

ردیف	عناصر	مولفه ها
۱	فعالیت	<ul style="list-style-type: none"> * تنوع کاربری‌های اولیه و ثانویه * گستردگی و تنوع مکان‌ها و رویدادهای فرهنگی * وجود اقتصاد عصرانه، از جمله فرهنگ کافه * قدرت اقتصاد کوچک، از جمله مشاغل خلاق * دسترسی به ارائه دهندگان آموزش
۲	فرم	<ul style="list-style-type: none"> * ریخت شناسی شهری ریز دانه‌ها * تنوع و انطباق ساختمان‌ها * نفوذپذیری فضای خیابان * خوانایی * مقدار و کیفیت فضای عمومی * جبهه‌های فعال
۳	معنا	<ul style="list-style-type: none"> * فضاهای گردهمایی با اهمیت * احساس تاریخ و پیشرفت * هویت و تصاویرسازی منطقه * دانش پذیری * قدردانی و سبک طراحی

۳. تحلیل یافته ها

۱.۳ بررسی تجارب جهانی

امروزه گسترش شهرها با چالش‌های متعددی روبرو شده است؛ از این رو بازآفرینی شهری، در بهبود روند پیشرفت شهری گام برداشته و با انجام مداخلاتی، تأثیر بسزایی بر زندگی شهری داشته است. بازآفرینی فرهنگ- مبنا، امروزه در سراسر جهان به عنوان یکی از مهمترین رویکردهای توسعه شهری محسوب می‌شود. در این بخش به بررسی تعدادی از نمونه‌های موردی بازآفرینی فرهنگ - مبنا و ایده‌های بکار گرفته شده در آنها بر اساس عناصر مکان‌های موفق و شاخص‌های آنها می‌پردازیم:

۱.۱.۳ طبقات پیکه‌ام^۱

۱- Peckham Levels, London

یک پارکینگ کاملاً کم مصرف را به یک محیط پر رونق و التقاطی تبدیل کرده است، جایی که مشاغل جوان خلاق و مشاغل مربوط به مهارت های آشپزی فرصتی عالی برای معاشرت را در اختیار مردم محلی و بازدید کنندگان قرار می دهند و همچنین با کارگاه های آموزشی، فرصت های تجربه کاری و طیف وسیعی از ابتکارات دیگر، زمینه های بیشتری را برای جامعه ایجاد می کند. این مطالعه موردی بخشی از ارزش پروژه بازآفرینی فرهنگ - مبنا را تشکیل می دهد.

جدول ۲- نمونه موردی اول، (مآخذ: www.local.gov.uk)

معنا	فرم	فعالیت
<ul style="list-style-type: none"> * تقویت هویت فرهنگی منطقه و جذب بازدید کنندگان جدید * توانمندسازی جامعه * بازدهی اجتماعی * افزایش تعامل اجتماعی در محیط و حضور اقشار مختلف مردم 	<ul style="list-style-type: none"> * استفاده مجدد بهینه از فضای ناکارآمد پارکینگ در بافت شهر برای عموم * ایجاد مکانی فعال و جذاب برای اقشار مختلف جامعه  	<ul style="list-style-type: none"> * ارائه انواع رویدادهای فرهنگی، هنری و ورزشی از جمله: استودیوها، اتاق های تاریک عکاسی، کارگاه های سرامیک سازی، پرینت سه بعدی، کلاس های یوگا، کافه و قسمت غذایی و محل بازی برای کودکان * حمایت از استارت آپ های خلاق * ایجاد بیش از ۴۵۰ شغل پاره وقت و تمام وقت و بازدهی اقتصادی 

۲.۱.۳. خانه استوری^۱

یک مرکز فرهنگی نوآور در قلب چستر که با طراحی خود برنده جایزه نیز شده است، با هدف تشویق جامعه و بازدیدکنندگان برای گذراندن وقت در آنجا، با بازسازی ساختمان قدیمی و ناکارآمد سینما جهت ایجاد مرکزی فرهنگی و خلاقانه ساخته شده است. ساختمان مرمت و احیا شده اودئون در سال ۱۹۳۰، هم اکنون دارای سالن اجتماعات ۸۰۰ نفره، تئاتر استودیویی ۱۵۰ نفری، رستوران و دو بار، به علاوه بوتیک ۱۰۰ نفره و همچنین سینمای مستقل است.

جدول ۳- نمونه موردی دوم، (مآخذ: www.local.gov.uk)

معنا	فرم	فعالیت
<ul style="list-style-type: none"> * انسجام جامعه * حمایت از گروه های مختلف در جامعه * بازدهی اجتماعی * افزایش تعامل اجتماعی در محیط * افزایش تعداد بازدیدکنندگان * تقویت چهره مرکزی شهر 	<ul style="list-style-type: none"> * استفاده مجدد بهینه از فضای ناکارآمد سینمای قدیمی در بافت شهر * عرصه فرهنگی جهت استفاده عموم افراد * ارتقاء کیفیت فضای مرکزی شهر 	<ul style="list-style-type: none"> * ایجاد فضا برای رویدادهای نمایشی رایگان و عمومی * ایجاد فعالیت های آموزشی و مهارتی * ایجاد فعالیت های مختلف با امکان دهی به افراد ناتوان جسمی * فعالیت های مختلف مربوط به سلامتی جسمانی * ایجاد کاربری های مختلط از جمله تئاتر، رستوران، سینما، کتابخانه و استودیوها * ایجاد بیش از ۱۰۰ شغل پاره وقت و تمام وقت و بازدهی اقتصادی 

۳.۱.۳. گالری موستین^۲

گالری موستین که در لندن واقع شده است، در سال ۱۹۰۱ توسط لیدی آگوستا موستین تاسیس شد که برای نمایش کارهای زنان هنرمند ساخته شده بود. با شروع جنگ جهانی اول، گالری تعطیل شده و به مدت ۶۵ سال بلا استفاده باقی ماند، اما پیرو یک کمپین محلی دوباره تاسیس شد و در سال ۱۹۷۹ به عنوان یک گالری هنر معاصر برای بازدید عموم افتتاح شد. پس از تملک محلات مجاور در سال ۲۰۰۴، موستین به دنبال بودجه ای برای بازسازی ساختمان بود که در سال

۲- Storyhouse, Chester
۱- MOSTYN Gallery, Conwy

۲۰۱۰، با حمایت شورای دهیاری کانوی به اتمام رسید و گالری جدید برای عموم بازگشایی شد. گالری موسستین، اکنون به عنوان یک مرکز مهم جامعه، بازدید کننده و بخش خلاق/ فرهنگی عمل می کند.

جدول ۴- نمونه موردی سوم، (ماخذ: www.local.gov.uk)

معنا	فرم	فعالیت
<p>* تقویت هنر و صنایع دستی محلی</p> <p>* انسجام جامعه به وسیله ایجاد ارتباط بین رویدادهای فرهنگی و هنری با طبقات و گروه های مختلف</p> <p>* بازدهی اجتماعی</p> <p>* افزایش بازدیدکنندگان خارجی</p> <p>* ارزش دهی به مقام زنان در جامعه</p>	<p>* استفاده مجدد از فضای موجود بلا استفاده</p> <p>* بهره وری رایگان برای عموم افراد</p> <p>* احیای وضعیت موجود در خیابان های اطراف</p> <p>* ایجاد جداره فعال و افزایش تردد در منطقه</p>  	<p>* ارائه انواع فعالیت های فرهنگی، هنری و خدمات مختلف: پنج فضای نمایشگاهی، یک اتاق آموزش عملی، یک اتاق جلسات، یک کافه، فضای بزرگ خرده فروشی و امکانات عمومی بهتر</p> <p>* برگزاری جشنواره های فرهنگی مختلف شامل هنرهای تجسمی، تئاتر خیابانی، موسیقی و هنرهای نمایشی</p> <p>* ارائه برنامه مشارکتی با جوامع محلی، مدارس، کالج ها و دانشگاه ها</p> <p>* رونق در اشتغال</p> <p>* ارتقای بازدهی سالانه اقتصاد محلی</p> <p>* مشارکت با بهداشت، خدمات اجتماعی و گروه های اجتماعی با فعالیت های مبتنی بر هنر تقویت کننده و بهبود بخشنده زندگی.</p> 

۴. بحث و نتیجه گیری

یکی از عوامل بسیار مهم در حفظ و تقویت منابع فرهنگی بالقوه شهرها، بازآفرینی آنها مبتنی بر رویکرد فرهنگ- مبنا می باشد. فرهنگ، مجموعه ای از ارزش های مشترک بین اقشار یک جامعه است که بر همه جوانب زندگی، دلالت می کند. از این رو، بهره مندی از فرهنگ در جریان احیاء و بازآفرینی شهری می تواند باعث ارتقای زندگی اجتماعی، بازدهی اقتصادی و زیست محیطی، تقویت منظر و سیمای شهری، رشد صنعت گردشگری، قدرت سیاسی شهر و... شود و بنابراین موجبات توسعه پایدار را فراهم آورد. با بررسی مبانی نظری و تجارب جهانی در این تحقیق، می توان دریافت که برنامه های بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ در شهرها و مکان های مختلف شهری، موجب رشد و توسعه زندگی در آنها شده است. از این رو، با در نظر گرفتن راهکارهای بکار گرفته شده در نمونه های موردی بررسی شده و مفاهیم مستخرج از مطالعات نظری، در این بخش، به ارائه راهکارها و پیشنهادهای جهت بکارگیری در برنامه های آتی بازآفرینی شهری به جهت حصول توسعه پایدار در شهرها پرداخته می شود:

جدول ۵- راهکارهای پیشنهادی در بازآفرینی فرهنگ- مبنا به جهت توسعه پایدار، (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

معنا	فرم	فعالیت
<p>* تقویت هویت منطقه با تاکید بر عناصر شاخص آن</p> <p>* ایجاد خاطره جمعی از طریق برگزاری مراسمات فرهنگی متناسب با فرهنگ مردم عامه شهر</p> <p>* توجه به میراث فرهنگی و تاریخی</p> <p>* افزایش احساس تعلق با تاکید بر عناصر هویت بخش در تصویر ذهنی مردم محل</p> <p>* برانگیختن تحسین ملی در شهر با تاکید بر وقایع مختلف و رویدادهای مهم مرتبط با تاریخ و فرهنگ منطقه</p> <p>* افزایش سرزندگی شهری و تعاملات اجتماعی</p> <p>* ایجاد جذابیت مکانی با در نظر گرفتن ویژگی های افراد مختلف در سطح شهر و بنابراین افزایش تمایلات حضور در مکان های مختلف شهری</p>	<p>* ایجاد فضاهای مختلف در شهر، از جمله فضاهای سبز، میداين و گوشه ها، جهت امکان دهی به مردم برای تماشای کردن و سایر فعالیت ها مانند برنامه های انیمیشن فرهنگی</p> <p>* ایجاد ساختمان ها با اندازه و بهای متفاوت</p> <p>* برقراری ارتباط بین جداره های ساختمان ها و خیابان های اطراف آنها</p> <p>* ایجاد بناهایی با تنوع شکلی و متناسب با زمینه</p> <p>* تجدید ساختمان های ناکارآمد و قدیمی</p> <p>* ساخت بناهای نمادین به جهت تقویت منظر شهری و جذب بازدیدکنندگان</p> <p>* هم ارزی فرم و عملکرد و ایجاد شفافیت (ارتباط درون و بیرون) به جهت دستیابی به خوانایی در محیط</p> <p>* وجود الگوهای حرکتی متنوع (به ویژه برای عابران پیاده)</p> <p>* افزایش تعداد مکان های فرهنگی در محیط</p>	<p>* پیچیدگی فعالیت، به ویژه فعالیت فرهنگی</p> <p>* حمایت از اقتصادهای محلی کوچک مقیاس</p> <p>* بهره مندی بالقوه از هنر اجتماعی</p> <p>* ایجاد فضاهای کار برای مشاغل خلاق و تولیدکنندگان کم هزینه فرهنگی</p> <p>* حضور زندگی و جبهه های فعال در خیابان</p> <p>* ارائه الگوهای ساعات کاری، شامل فعالیت های عصرگاهی و شبانه</p> <p>* حضور جاذبه های مردم، مانند مکان ها و گالری ها، رستوران های خوب و فروشگاه های خاص در یک منطقه</p> <p>* در دسترس بودن سینماها، تئاترها، کافه ها، رستوران ها و سایر مکان های فرهنگی و اجتماعی که خدمات مختلفی را با قیمت ها و درجه های کیفیت متفاوت ارائه می دهند</p> <p>* حضور بازارهای خیابانی و انواع تخصص ها</p> <p>* تامین بودجه هنری پایدار و ثابت</p> <p>* آموزش و تعلیم هنرهای مختلف در سطح شهر</p>

مراجع

۱. امین‌زاده بهناز؛ دادرس راحله. (۱۳۹۱). بازآفرینی فرهنگ مدار در بافت تاریخی شهر قزوین با تاکید بر گردشگری شهری. *مطالعات معماری ایران*. (۲): ۹۹-۱۰۸.
۲. صفدری سیما؛ پورجعفر محمدرضا؛ رنجبر احسان. (۱۳۹۳). بازآفرینی فرهنگ- مینا زمینه‌ساز ارتقاء تعاملات فرهنگی (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر مشهد). *هفت شهر*. ۴(۴۷-۴۸): ۳۹-۲۵.
3. Bakri, M. (2018) 'The role of culture in implementing the concept of sustainability', in IOP Conference Series: Earth and Environmental Science. IOP Publishing, p. 12137. doi: 10.1088/1755-1315/.
4. Bird, J. et al. (1993) Mapping the futures: local cultures, global change. London and New York: Routledge.
5. Burgel, G. (2000) 'Lavilleaunjour> huri, paris: Hachette'. paris: Hachette: Pluriel.
6. Burksiene, V., Dvorak, J. and Burbulyte-Tsiskarishvili, G. (2018) 'Sustainability and Sustainability Marketing in Competing for the Title of European Capital of Culture', Organizacija, pp. 66-78. doi: 10.2478/orga-2018-0005.
7. Canter, D. (1977) The psychology of place. London: St Martin'S Press.
8. Cubeles, X. and Baro, F. (2006) Culture and sustainability, Generalitat de Catalunya: Barcelona, Spain.
9. Doucet, B. (2007) 'Flagship regeneration: Panacea or urban problem', in EURA conference: The vital city. Glasgow, Scotland, pp. 12-14.
10. Duxbury, N., Cullen, C. and Pascual, J. (2012) 'Cities, culture and sustainable development', in H.K Anheier, YR Isar, M. H. (ed.) Cultural Policy and Governance in a New Metropolitan Age. Sage: London, UK: The Cultures and Globalization Series, pp. 73-86.
11. Fan, D.-D. and Kim, S.-H. (2019) 'The Study on the Residential Space in Culture-led Urban Regeneration: a case study of Residential Space in Henan', in E3S Web of Conferences. EDP Sciences, p. 1005.
12. Ferilli, G. et al. (2017) 'Power to the people: when culture works as a social catalyst in urban regeneration processes (and when it does not)', European Planning Studies, 25(2), pp. 241-258.
13. Go, F. M., Della Lucia, M. and Trunfio, M. (2014) 'Urban culture-led regeneration in monolithic contexts: issues and challenges for place identity and branding', in HTHIC 2014. Istanbul, Turkey, pp. 4-15.
14. Hawkes, J. (2001) The fourth pillar of sustainability: Culture's essential role in public planning. Altona, Australia: Common Ground.
15. Landry, C. et al. (1996) The art of regeneration: Urban renewal through cultural activity, Stroud: Comedia.
16. Liu, Y.-D. (2019) 'Event and Sustainable Culture-Led Regeneration: Lessons from the 2008 European Capital of Culture, Liverpool', Sustainability, 11(7), p. 1869. doi: 10.3390/su11071869.
17. Middleton, C. and Freestone, P. (2008) 'The impact of culture-led regeneration on regional identity in north east England', in Regional Studies Association International Conference The Dilemmas of Integration and Competition. Prague, Czech Republic: Citeseer, pp. 51-58.
18. Montgomery, J. (2003) 'Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration. Part 1: Conceptualising cultural quarters', Planning, practice & research, 18(4), pp. 293-306.
19. Omidwar, M., Saeidi Mofrad, S. and Daneshvar, M. (2020) 'Social events and investigating their role in culture-led urban regeneration of the historical context using the method of structural equations.(Case study: Arg neighborhood of Mashhad)', Creative City Design, 3(2), pp. 90-101.
20. Ozden, P. (2012) 'Culture-led regeneration projects in post-industrial areas: the Istanbul experience', WIT Transactions on Ecology and the Environment, 155, pp. 823-834.
21. Richards, G. (2014) 'Creativity and tourism in the city', Current issues in Tourism, 17(2), pp. 119-144.
22. Richards, G. and Palmer, R. (2010) Eventful cities. Amsterdam, The Netherlands: Butterworth-Heinemann.
23. Soini, K. and Dessein, J. (2016) 'Culture-sustainability relation: Towards a conceptual framework', Sustainability, 8(2), p. 167.
24. Throsby, C. D. (2005) On the sustainability of cultural capital. Sydney, Australia: Macquarie University, Department of Economics.
25. Wang, J. and Li, S. (2009) 'The rhetoric and reality of culture-led urban regeneration-a comparison of Beijing and Shanghai, China', in The 4th International Conference of the International Forum on Urbanism (IFoU). Delft, Amsterdam, pp. 875-888.
26. Yeoh, B. S. A. (2005) 'The global cultural city? Spatial imagineering and politics in the (multi) cultural marketplaces of South-east Asia', Urban Studies, 42(5-6), pp. 945-958.
27. Zukin, S. (1995) The cultures of cities. Oxford, UK: Blackwell.